



مجموعه نکته و تست

مدیریت بازرگانی

مجموعه نکات طلایی و آزمونی - سؤالات طبقه‌بندی شده براساس سر فصل‌های مصوب با پاسخنامه کاملاً تشریحی

- ۱ اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام
- ۲ ریاضی و آمار
- ۳ تئوری‌های مدیریت
- ۴ اقتصاد خرد و کلان
- ۵ تحقیق در عملیات
- ۶ بازاریابی

مؤلفین:

دکتر محمد کشاورز (مدرس دانشگاه)

دکتر شاهین روحانی راد

محمد حامدی

حسین افشاری نسب

انتشارات
اندیشه‌آرشد

فهرست

صفحه

عنوان

بخش اول: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام

فصل اول؛ بررسی مفاهیم مدیریتی از نگاه اسلامی	۸
فصل دوم؛ فرآیند شکلگیری مدیریت اسلامی و رویکردهای آن	۱۳
فصل سوم؛ برنامه‌ریزی در مدیریت اسلامی	۱۵
فصل چهارم؛ تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی	۱۷
فصل پنجم؛ مبانی سازماندهی در مدیریت اسلامی	۱۹
فصل ششم؛ مدیریت منابع انسانی بر اساس دیدگاه‌های اسلام	۲۲
فصل هفتم؛ مبانی رفتار و مدیریت رفتار اسلامی در سطح فردی	۲۵
فصل هشتم؛ مدیریت رفتار سازمانی در سطح گروهی و سازمانی	۲۹
فصل نهم؛ رهبری سازمانی در مدیریت اسلامی	۳۳
فصل دهم؛ کنترل و نظارت در مدیریت اسلامی	۳۵
سوالات اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام	۳۸
پاسخنامه اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام	۵۱

بخش دوم: ریاضی و آمار

فصل اول: آنالیز ترکیبی	۸۴
فصل دوم: احتمالات	۹۴
فصل سوم: احتمال شرطی	۱۰۲
فصل چهارم: آمار توصیفی	۱۱۱
فصل پنجم: متغیرهای تصادفی	۱۳۳
فصل ششم: کواریانس و ضریب همبستگی	۱۴۳
فصل هفتم: توزیع احتمال خاص گسسته	۱۴۷
فصل هشتم: توزیع‌های احتمال خاص پیوسته	۱۵۷
فصل نهم: رگرسیون و همبستگی	۱۶۴
فصل دهم: نظریه مجموعه‌ها	۱۶۹
فصل یازدهم: توابع	۱۹۱

۲۴۹	فصل دوازدهم: حد و پیوستگی توابع
۲۷۷	فصل سیزدهم: مشتق و کاربرد مشتق
۲۹۷	فصل چهاردهم: اتحادها
۳۰۲	فصل پانزدهم: جبر خطی
۳۲۶	سؤالات تألیفی و آزمون‌های آماری و ریاضی
۳۳۳	پاسخنامه تألیفی و آزمون‌های آماری و ریاضی

بخش سوم: تئوری‌های مدیریت

۳۵۲	فصل اول؛ کلیات
۳۶۴	فصل دوم: برنامه‌ریزی
۳۷۴	فصل سوم: سازماندهی
۳۹۰	فصل چهارم: هماهنگی
۳۹۳	فصل پنجم: نظریه سیستمی
۳۹۹	فصل ششم: نظریه اقتضایی
۴۰۲	فصل هفتم: تصمیم‌گیری در سازمان
۴۰۷	فصل هشتم: کنترل سازمانی
۴۱۳	فصل نهم: استعاره‌های سازمانی
۴۲۲	فصل دوازدهم: هدایت و رهبری
۴۲۶	فصل سیزدهم: انگیزش
۴۳۱	فصل پانزدهم: ارتباطات سازمانی
۴۳۴	فصل شانزدهم: فرهنگ سازمانی
۴۳۷	فصل هفدهم: مدیریت تغییر و تحول
۴۳۹	فصل هجدهم: شخصیت
۴۴۲	فصل نوزدهم: یادگیری
۴۴۸	سؤالات تألیفی و آزمون‌های تئوری‌های مدیریت
۴۷۲	پاسخنامه تألیفی و آزمون‌های تئوری‌های مدیریت

بخش چهارم: اقتصاد خرد و کلان

۵۶۲	بخش اول؛ اقتصاد خرد
۵۶۲	فصل اول؛ کلیات
۵۶۵	فصل دوم؛ کشش
۵۶۹	فصل سوم؛ نظریه رفتار مصرفکننده
۵۷۲	فصل چهارم؛ رفتار تولیدکننده
۵۷۵	فصل پنجم؛ بازار رقابت کامل
۵۷۷	فصل ششم؛ انحصار کامل فروش
۵۸۰	بخش دوم؛ اقتصاد کلان
۵۸۰	فصل هفتم؛ حسابداری مالی و شاخص قیمت‌ها
۵۸۴	فصل هشتم؛ بازار پول و سیاست‌های پولی
۵۸۶	فصل نهم؛ تئوری مصرف و سرمایه‌گذاری
۵۸۸	فصل دهم؛ تورم و بیکاری
۵۹۰	فصل یازدهم؛ وضعیت کلی اقتصاد
۵۹۴	سوالات تألیفی و آزمونی اقتصاد خرد و کلان
۶۱۹	پاسخنامه تألیفی و آزمونی اقتصاد خرد و کلان

بخش پنجم: تحقیق در عملیات

۶۷۸	فصل اول؛ کلیات
۶۸۰	فصل دوم؛ برنامه‌ریزی خطی و روش ترسیمی
۶۸۲	فصل سوم؛ روش سیمپلکس
۶۸۶	فصل چهارم؛ تفسیر اقتصادی سیمپلکس و مسأله ثانویه
۶۸۸	فصل پنجم؛ تحلیل حساسیت
۶۹۱	فصل ششم؛ حمل و نقل
۶۹۴	فصل هفتم؛ شبکه‌ها
۶۹۵	فصل هشتم؛ تخصیص
۶۹۶	فصل نهم؛ متغیرهای حددار
۶۹۷	فصل دهم؛ الگوریتم محدودیت مصنوعی
۶۹۸	فصل یازدهم؛ الگوریتم اولیه ثانویه
۶۹۹	فصل دوازدهم؛ برنامه‌ریزی خطی عدد صحیح

۷۰۱ سوالات تالیفی و آزمون‌ی تحقیق در عملیات

۷۲۴ پاسخنامه تحقیق در عملیات

بخش ششم: بازاریابی

۷۵۱ بازاریابی

۷۹۳ سوالات آزمون‌ی و تالیفی بازاریابی

۸۰۵ پاسخنامه سوالات آزمون‌ی و تالیفی بازاریابی

بخش اول

اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام

◆ فصل اول؛ بررسی مفاهیم مدیریتی از نگاه اسلامی

- بر اساس تعالیم قرآن، تعاون و همکاری، جوهره سازمان محسوب می‌شود و به عنوان اصل زیربنایی از انسان‌ها می‌خواهد که در زندگی اجتماعی، همکاری و تعاون را سرلوحه اقدامات خود قرار دهند. اصل تعاون و همکاری یک اصل کلی اسلامی است که باعث انسجام و سازمان‌یافتگی فعالیت‌های انسانی می‌شود. خداوند متعال در آیه ۲ سوره مائده می‌فرماید؛ و در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید. آنچه در زمینه‌ی تعاون در آیه فوق آمده است، یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد.
- با مراجعه به احکام شرعی اعمال انسان به پنج دسته تقسیم می‌شود:
 - ❏ عمل واجب: شامل هر عملی که مقدمه سازندگی مادی یا معنوی انسان را فراهم باشد.
 - ❏ عمل مستحب: مقدمه سازندگی فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی است، ولی بدون آن ضربه ای به نیازهای اساسی انسان وارد نمی‌شود.
 - ❏ عمل حرام: شامل هر عملی که فساد بیافریند و برای فرد و جامعه زیانبار باشد.
 - ❏ عمل مکروه: عملی که موجب فساد نیست، اما سودی در بر ندارد.
 - ❏ عمل مباح: شامل فعل‌هایی است که انجام دادن آن تأثیری بر رشد فرد ندارد و سازنده نیست و انجام ندادن نیز فعل حرام محسوب نمی‌شود.
- در مجموع می‌توان گفت زمانی می‌توان از یک ابزار حرام استفاده کرد که عمل واجب در شرایط اضطرار واقع شود ناگزیر به استفاده از ابزار حرام می‌باشد.
- سازمان‌ها دو دسته هستند؛ سازمان‌های آخرت‌گرا و سازمان‌های دنیاگرا. در سازمان آخرت‌گرا تمامی ارکان (اهداف سازمان، مدیران و کارکنان) به سعادت اخروی می‌اندیشند و بر خلاف سازمان دنیاگرا که هدفش رفاه و آسایش دنیایی است، ای بسا مسائل و مشکلات سازمانی را به جان می‌خورد و با اقدامات خداپسندانه-ی خود سعی می‌کند تا توشه ای برای آخرت خود بگیرد و همانند مسافری مسیره‌های ناهموار و صعب‌العبور را با عزمی راسخ و انگیزه ای بالا طی می‌کند؛ چرا که می‌داند اگر این جاده را با موفقیت به پایان برساند، آسایش ابدی و جاودانه در انتظار او خواهد بود. با توجه به آیات قرآن و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی، می‌توان امت وسطا، سازمان کارآمد و مدینه فاضله را سازمان آخرت‌گرا نامید و سازمان ناکارآمد و مدینه غیر فاضله را با سازمان دنیاگرا معادل دانست. سازمان آخرت‌گرا، سازمانی دنیاساز است، اما دنیاگرا نیست. مدیران و پرسنل آن طمع خود را از دنیا بریده و به آخرت دل بسته‌اند. در تفکر آخرت‌گرا دنیا به سان مزرعه ای تلقی می‌شود. سازمان آخرت‌گرا سازمانی است بسیار سودجو و منفعت طلب، ولی بنده سود و منفعت دنیا نیست. آنچه باعث تفاوت این سازمان از سازمان‌های دیگر می‌شود این است که این سازمان بسیار سودجو و منفعت طلب است و لی بنده سود دنیا نیست و به حلال بودن مسیر متعهد است. در جدول زیر تفاوت سازمان آخرت‌گرا و سازمان دنیاگرا را ملاحظه نمایید.

شاخص ها	سازمان آخرت گرا	سازمان دنیا گرا
اهداف و سیاست ها	حیات طیبه	جلب رضایت صاحبان قدرت
منابع و امکانات	ابزار دستیابی به آخرت	ابزاری برای رقابت و برتری
مدیریت	مدیریت اسلامی	مدیریت سکولار
قوانین و مقررات	مبتنی بر موازین شرعی	مبتنی بر مادیگری
مشارکت کنندگان	کسب منافع مادی و معنوی	کسب منافع مادی

• انسان ها بین هوای نفس و شریعت الهی باید یکی را انتخاب کنند. به اعتقاد کشفی در بسیاری از آیات و روایات، از عقل نظری به ایمان، از عقل عملی به عمل صالح و از تبعیت دومی از اولی، به «اخلاص» تعبیر شده است. بنابراین می توان گفت برای فهم و استنباط در محضر قرآن کریم، باید به درجه ای از اخلاص دست یافت که تمام اعمال و فعالیت های ما تابع ایمان که همانا اعتقاد و باور به خدای متعال و تلاش برای جلب رضایت حق تعالی است، باشد. همچنین بر اساس آیه ۲ سوره بقره قرآن زمانی می تواند منجر به هدایت شود که تقوا پیشه کرده باشیم. بر اساس آیه ۷۹ سوره واقعه نیز تنها پاکان می توانند قرآن را درک کنند. بنابراین برای فهم قرآن باید اخلاص داشت.

• مطابق با خطبه ۱۷ امیرالمومنین در نهج البلاغه، می توان یکی بودن قرآن و سنت را مشاهده کرد و می توان به خوبی تعاملی بین قرآن و سنت (سیره، حدیث) را نظاره گر بود. زیرا اصولاً قرآن در تمام وجود چهارده معصوم پیاده شده است و آنها اجرا کننده کامل کلام خداوندگار عالمیان هستند. آن قدر قرآن و سنت به یکدیگر پیوسته اند که بارها پیامبر اسلام (ص) فرموده اند هر مطلب و خبری از ما (یعنی روایات) به شما رسید آن را با قرآن عرضه دارید، اگر با قرآن مطابقت نکرد، حتماً روایت جعلی است.

• در قسمت پایانی نامه ۵۳ حضرت امیر(ع) به مالک اشتر، امیرالمومنین پاره ای هشدارها آورده اند که یکی از آنها هشدار از شتاب زدگی و در نظر گرفتن مساله شناسی و زمان شناسی است. حضرت می فرمایند: «مبادا هرگز در کاری که وقت آن فرا نرسیده، شتاب کنی. یا کاری که وقت آن رسیده سستی ورزی و یا در چیزی که حقیقت آن روشن نیست ستیزه جویی نمایی و یا در کارهای واضح و آشکار کوتاهی کنی. تلاش کن تا هر کاری را در جای خود و در زمان مخصوص به خود انجام دهی.»

زمانی که یک مدیر توانایی در مدیریت زمان ندارد، زمانی که به آن اعتراض می کنند تمام مشکلات را ناشی از کمبود زمان می داند و هر چقدر زمان بیشتری به مدیر ناتوان بدهیم، هیچ کار مثبتی انجام نمی دهد و توجیهات بی منطق زیادی را مطرح می کند

• خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری، کار ویژه دولت امامت را شیوع خیرات عامه می داند، یعنی اموری که برای عموم مردم در همه زمان ها و مکان ها خیر تلقی می شود، اشاعه دهد تا مردم را به سعادت حقیقی نزدیک سازد. از دیدگاه خواجه طوسی، یکی از خیرات دولت امامت، عدالت است.

دولت امامت عدالت را باید مادر تمام فضایل تلقی کند و آن را حاکم بر تمام سیاست گذاری ها و اجرای آن قرار داده و با رواج فرهنگ عدالت، خود و مردم را به چنین صفتی متخلق کند تا عدالت در روابط دولت با مردم و

۱۰ | مجموعه نکته و تست مدیریت بازرگانی

روابط مردم با مردم رعایت شود و ضمن برخورداری جامعه از ثبات، بستری برای ایجاد و اشاعه خیرات دیگر فراهم شود. به اعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی معیاری که موجب قوام و استحکام سازمانی و اجتماعی می شود، عدالتی است که باید بر تمامی تصمیمات، سیاست ها و اقدامات سایه افکنده باشد.

• دنیاگرایی یا دنیاپرستی که منجر به شکل گیری مدینه غیرفاضله و سازمان ناکارآمد می شود، در نقطه مقابل آخرت گرایی قرار دارد که زمینه ساز مدینه فاضله و سازمان کارآمد است. امام علی (ع) در توصیف این گروه از افراد می فرماید؛ همانا دنیاپرستان چونان سگ های درنده عووکنان برای دریدن صید در شتابند، برخی به برخی دیگر هجوم می آورند و نیرومندشان ناتوان را می خورد و یا شتران راه گم کرده اند و در جاده ی نامعلومی در حال حرکت هستند.

• امام علی (ع) خواسته ها و آمال و آرزوهایی که یک مدیر مسلمان باید داشته باشد را بطور اختصار در موارد زیر بیان می کند:

﴿ قرب الهی؛ توفیق در انجام کارهایی که موجب رضایت و خشنودی خداوند است.
﴿ هدفمندی؛ اقدامات مدیریت به گونه ای باشد که توجیهات کافی برای انجام آنها در برابر خداوند و مردم وجود داشته باشد.

﴿ رضایت عامه مردم؛ عملکرد مدیریت مورد تمجید و تکریم مردم قرار گیرد.
﴿ باقیات صالحات؛ آثار ماندگار که نشانه عمران و آبادانی است از خود بر جای گذارد.
﴿ عاقبت بخیری؛ دوره ی مدیریتی فرد در حالی پایان پذیرد که موجبات رستگاری را فراهم سازد و توأم با شهادت در راه خدا باشد.

• از منظر ابوریحان بیرونی، همانطور که عدالت ناموس خلقت و هستی است، هدف و غایت حکومت و نظام اجتماعی نیز محسوب می گردد که باید از سوی حاکمان عادل محقق شود. به نظر بیرونی برای اداره امور جامعه، اجرای عدالت حاکم عادل موضوعیت دارد و نه صرف عدالت. ابوریحان مفهوم عدالت را تا سر حد عالی ترین فضیلت فردی و اجتماعی ارتقاء می دهد؛ از این رو عدالت سیاسی و اقتصادی را بالاترین فضائل و کمالات جامعه تلقی می کند که حکومت متکفل تامین آن است و مهم ترین کار ویژه ی حکومت حضرت مهدی (عج) را اجرای عدل و داد می داند. بدین ترتیب، غایت حکومت عدالت گستری است. وی زمانی که از لزوم خزانه داری برای حکومت بحث می کند، خزانه را به عنوان انباشت سرمایه نمی داند، بلکه از آن به عنوان ثروت عمومی برای استقرار مساوات و عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر و شکاف اقتصادی نام می برد. از دیدگاه بیرونی، پیشوایی موفق است که بتواند با کسب دانایی و بینش صحیح، نماینده عدل باشد؛ از این رو عقل چیزی جزء عدل نیست و رهبر شایسته کسی جز مجری عدالت نمی باشد. به زعم وی اگر زمامداران عادل باشند، قلبها به سوی آنان جذب می شود و این تضمین کننده ثبات ارکان حکومت بوده و موجب پیوند بین شهرباران و شهروندان می گردد، چون اگر غیر از این باشد، جامعه متشتت و معارض با حاکمیت می شود و برای آرمان ها و خواست های خود، متوسل به خشونت می گردد. از نظر بیرونی، اگر دولتی صفت عدالت نداشته باشد و هدفش امنیت، آسایش، آبادانی و رفع ظلم از رعیت نباشد، دولت غیر مشروع و دولت فرعونی است.

اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام | ۱۱

• در فلسفه سیاسی مسکویه، رهبری از جایگاه خاصی برخوردار است و در رأس قدرت قرار می‌گیرد. ایشان از رهبری با تعبیر بسیاری از قبیل "امام"، "حکیم و فیلسوف"، "مدبر"، "سیاست‌مدار"، "حاکم"، "ملک"، "سلطان"، "قیم"، "وکیل"، "واسط و وسیط" و "مقوم" یاد می‌کند. هر کدام از این عناوین بیانگر نوع زاویه‌ای است که بدان نگریسته می‌شود. وقتی از رهبری با عنوان فیلسوف یاد می‌شود به ابعاد معرفتی و غایات فاضله در حکومت نظر دارد؛ وقتی به حسن سیاست و اداره‌ی جامعه توجه می‌کند، از عنوان "مدبر" و "سیاست‌مدار" بهره می‌جوید؛ از آن جهت که رهبر باید مصالح عمومی و معیشت بهتر جامعه را تأمین کند، از وی به عنوان "قیم" تعبیر می‌کند و چون حاکم در حکومت خویش و اجبار و اکراه مردم، به نوعی از طرف آنها وکالت دارد، از آن به عنوان "وکیل مشرف" یاد می‌کند. عنوان "ملک" را بر کسی اطلاق می‌کند که حافظ آیین بوده و مراتب و درجات دین و اوامر را حفظ می‌کند. از نظر مسکویه در بین عناوین مذکور، سه عنوان ملک، حکیم و فیلسوف تنها برای حکومت دینی بکار می‌رود. از دیدگاه مسکویه عنوان ملک برای حاکمی است که بر حسب شرع عمل می‌کند در صورتی که تصمیمات او بر اساس شریعت نباشد از حکومت او با عنوان غلبه از حاکم یا مدیر با عنوان متغلب یاد شده است. مسکویه ۳ شرط مهم برای رهبری تأکید دارد؛

۱. حکمت؛ علم به امور الهی انسانی

۲. عدالت؛ فضیلتی که انسان نسبت به خود و دیگران انصاف را رعایت کند.

۳. شریعت‌مداری؛ سیاستش منطبق با شرع باشد.

از دیدگاه مسکویه رهبری در نظام مطلوب فردی (وحدت فرماندهی) است اما در صورت فقدان رهبری حکیم یا غیر حکیم که واجد شرایط رهبری باشد. مسکویه برای حفظ نظام رهبری را به صورت جمعی و شورایی می‌پذیرد (رهبری شورایی). از نظر مسکویه اصل وحدت فرماندهی بر اصل مدیریت شورایی و چندجانبه مقدم است و به جای تیم مدیریت واحد را برای اداره جامعه مطلوب‌تر می‌داند.

• ارزش‌ها دارای دو مبنا هستند؛

اول؛ بینش‌ها و باورها

دوم؛ گرایش‌ها و نیازها

هر ارزشی از یک پایه بینشی و یک پایه گرایشی ساخته می‌شود. در واقع ارزش واسطه‌ای بین بینش و گرایش انسان با کنش اوست اما بینش نسبت به یک سلسله از اعتقادات و واقعیات جهان هستی است که خود نیز از باورهای ناشی از اصول عقلی یا قواعد اجتماعی ناشی گردیده است و به دنبال آن گرایش‌ها و میل‌هایی در فرد برانگیخته می‌شود که هم از نیازهای انسان و هم از بینش او برخاسته است. از برآیند این بینش و گرایش برخاسته از آن مفهومی به نام ارزش شکل می‌گیرد که منشأ کنش اختیاری در انسان است، یعنی ارزش موجب می‌شود که انسان در هنگام عمل چیزی را برگزیند یا راهی را انتخاب نماید. بنابراین آنچه شکل کنش را می‌سازد و به افعال انسان جهت می‌دهد در حقیقت ارزش‌هایی است که پذیرفته شده است و منشأ این ارزش‌ها، باورها و بینش‌ها و نیازها و گرایش‌هایی است که زیربنای آنها را می‌سازد.

• محقق اردبیلی علاوه بر ضرورت عقلانی، از کتاب و سنت نیز برای اثبات ضرورت حکومت استفاده کرده است. از نظر محقق اردبیلی، ریاست بر امور دینی و دنیوی مردمان، یک ضرورت عقلی است که کتاب و سنت نیز

- آنها را تأیید کرده است. چرا که امر مبدأ و معاد انسان‌ها بدون حکومت و ریاست اولیای الهی منتظم نمی‌گردد و انسان‌ها قادر به انجام تکلیف و شناخت مصالح و مفاسد نخواهند بود.
- رسول خدا (ص) می‌فرماید: هر کس عهده‌دار کاری از امور امت من شود و نسبت به آنان حسن نیت به خرج دهد، خداوند متعال هیبت در دل‌های آنان را روزی فرماید و هر کس دست احسان خود را به روی آنان بگشاید، محبت و دوستی ایشان را روزی‌اش گرداند. همچنین می‌فرماید؛ هر زمامداری چیزی از کار امت مرا به دست گیرد و در کار آنها مثل کارهای خصوصی خود دلسوزی و کوشش نکند، روز رستاخیز خداوند او را وارونه در آتش اندازد.
 - امام صادق در تفسیر انواع حکومت و ولایت می‌فرماید؛ ولایت و حکومت بر مردم دو راه دارد؛ یکی از آن دو "ولایت حکمرانان دادگر" است که خدا به ولایت آنها فرمان داده و آنان را بر مردم سرپرست نموده و ولایت و حکومت کارگزاران حکمرانان است تا برسد به پایین‌ترین رده‌ی آنان. این بابی از ابواب ولایت است از نظر کسی که بر آنها مأموریت دارد. راه دیگر از ولایت، "ولایت حکمرانان ناحق" است و ولایت کارگزاران او تا برسد به پایین‌ترین رده‌ی آنان. این نیز بابی از ابواب به عهده گرفتن امور حکومتی است. پس نوع حلال کارگزاری همان پذیرفتن ولایت حکمران دادگر است که خداوند فرمان داده به شناختن او و تحت ولایت او گرفتن و در خدمت او و کارگزارانش بودن، در همان راستا که خداوند حکمران دادگر را مأمور داشته، بدون افزودن یا کاستن از آنچه خدا نازل فرموده است و بدون تحریف و تجاوز از فرمان الهی.

◆ فصل دوم؛ فرآیند شکل‌گیری مدیریت اسلامی و رویکردهای آن

• از یک سو مدیریت به عنوان یک رشته علمی مطرح است و روند رو به رشدی دارد و از سوی دیگر، اندیشمندان اسلامی بر این باورند که حضور کامل و مؤثر دین در جامعه تنها از راه ابلاغ احکام و معارف ممکن نیست، بلکه وابسته به آن است که مدیریت اجتماعی در اختیار معصومین یا فقیهان قرار گیرد و امکان صدور احکام حکومتی از سوی آنها فراهم شود؛ در غیر این صورت جریان عبادت و دینداری آسیب می‌بیند و نظم عبادی در جامعه در هم می‌ریزد؛ لذا جامعه اسلامی نیاز به حاکم و رهبر دارد و ثمره وجود حاکم برای جامعه اسلامی، امری فراتر از ابلاغ احکام و معارف است و در نهایت برای حفظ نظم جامعه اسلامی نیاز به احکام و فرامین حاکم اسلامی (احکام حکومتی) است تا جامعه با پیروی از آنها هدایت شود. یکی از انواع التقاط، التقاط علمی است که در آن یک فرد تئوری مدیریت را با اندیشه‌های دینی تلفیق نموده و نظریه‌ای منسوب به دین می‌سازد. بنابراین در این دیدگاه، دین، علم تجربی را و علم تجربی، دین را تایید می‌کند.

• آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که منشأ توهم تعارض علم و دین آن است که حوزه‌ی دین را به نقل (فهم قرآن و روایات معتبر) محدود کرده و عقل را از چارچوب معرفت دینی خارج بدانیم. در این صورت، تنها آنچه از ادله‌ی نقلی فهمیده می‌شود، داخل چارچوب معرفت دینی بوده و آنچه توسط عقل حسی و تجربی یا عقل تجربیدی (فلسفه) به دست می‌آید، معرفت علمی و فلسفی بوده و بی‌ارتباط با حوزه‌ی دین محسوب می‌گردد. در اینجاست که اگر مطلبی نقلی از جهتی ناسازگار با یافته‌ی علمی و تجربی یا فلسفی و تجربیدی باشد، از مصادیق تعارض و تقابل علم یا فلسفه با دین تلقی می‌شود. این تصور ناصواب که مرز دین را می‌شکافد و عقل را از هندسه معرفت دینی جدا و آن را بیرون آن قرار می‌دهد و نقل را درون آن باقی می‌گذارد و شرایط را به گونه‌ای فراهم می‌آورد که عقل بیگانه شده از دین، عالم آفرینش را دیگر "خلقت" نداند، بلکه آن را "طبیعت" بنامد و مبدأ فاعلی و غایی را از آن بگیرد و علم طبیعی مثله‌شده و معیوبی تحویل دهد که صرفاً به تبیین طبیعت می‌نشیند. عقل می‌تواند با نقل معارض باشد، اما تعارض عقل و دین سخن ناصوابی است، چنان که تعارض نقل و دین نامعقول است؛ زیرا عقل در درون هندسه معرفت دینی جای گرفته و منبع معرفتی آن قلمداد شده است.

• بر اساس دیدگاه حداکثری بودن هدایت دینی، دین هر چه را شرط هدایت بشر و لازمه سعادت اوست، بیان کرده است. در آیات و روایات، همه‌ی رهنمودهای لازم برای فلاح و سعادت بشر بیان شده و تمام امور مادی و معنوی (دنوی و اخروی) او مورد توجه قرار گرفته است، ولی شکل بیان این رهنمودها نه همیشه به صورت مستقیم است و نه به عقل واگذار شده است؛ بلکه در برخی موارد به صورت جزئی و مستقیم و در برخی موارد دیگر در قالب اصول و چارچوب‌های کلی است که می‌توان از دل آنها فروع و جزئیات بسیاری را استخراج نمود.

• مراد از وحدت‌گرایی معرفت شناختی این است که دانش بشری، سنخیتی واحد و یکدست دارد و مشخصه‌ی آن نیز تجربی بودن است. کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی نیز حاکی از آن است که معرفت بشری بافتی یکدست ندارد، بلکه همچون موجودی چهل تکه است که هر پاره آن، بافت خاص خود را دارد. بر اساس دیدگاه کثرت‌گرایی پاره‌های مختلف معرفت از یکدیگر مستقل‌اند و سنخیت یا تداخلی با هم ندارند. در

رویکرد کثرت‌گرایی، معرفت دینی نیز گونه‌ای از معرفت است که با معرفت علمی نسبت تباین و تغایر دارد. بنابراین می‌توان گفت که رویکرد وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی، نگرشی سکولار به علم مدیریت دارند.

• تلقی دیگر از علم دینی این است که باید علوم موجود، با نظر به اندیشه اسلامی از ناخالصی‌ها و انحرافات پیراسته گردد و احتمالا بخش‌هایی نیز بر آن افزوده شود. در واقع طبق این دیدگاه، با غربال کردن علم کنونی از عناصری که با اندیشه دینی ما منافات دارند و با افزودن عناصر مطلوب از طرف ما، علم دینی ساخته می‌شود. صاحب‌نظرانی همچون الفاروقی و العطاس، اسلامی کردن علوم را مطرح کردند که آن را می‌توان به عنوان نگرش تهذیبی در علم دینی مورد بحث قرار داد. آنان معتقد بودند که ما مسلمانان باید علوم غربی را گرفته و تهذیب کنیم. یعنی اندیشه‌هایی را که با دین منافات دارند، جدا کنیم و آنچه می‌ماند را تکمیل کنیم. این دیدگاه در معرض مخاطره التقاط قرار دارد چرا که نمی‌شود اندام یک علم را براحتی از هم جدا کرد و چیز دیگری به جای آن پیوند زد. از این رویکرد در برخی جوامع همچون مالزی تحت عنوان اسلامی سازی دانش یاد می‌شود. تهذیب علوم رایج به التقاط منجر می‌شود یعنی اگر بخواهیم از طریق تهذیب علوم رایج، علم دینی ایجاد کنیم، با توجه به نفوذ عمیق پیشفرض، نمی‌توان این جراحی را در پیکره یک نظریه علمی انجام داد. رگ و پی نافذ در این پیکره آنچنان عمیق است که افراد معمولاً دچار التقاط می‌شوند.

• نوع مقبول پیوند میان علم و دین در علم دینی را تحت عنوان رویکرد تأسیسی مور بحث قرار می‌دهند. مراد از این رویکرد آن است که مدیریت اسلامی همچون هر نوع تلاش علمی دیگری، باید در پرتو قدرت الهام-بخشی پیش‌فرض‌های خاص خود از سویی و گیر و دار تلاش تجربی از سوی دیگر، تکوین می‌یابد. گزاره-های برگرفته از دین، نه به منزله‌ی فرضیه‌های علمی با الهام‌گرفتن از پیش‌فرض‌های دینی است. همچنین در این رویکرد نظریه‌پردازی مستقل از نظریه‌های موجود صورت می‌پذیرد.

• فلسفه‌ی وجودی مدینه‌ی فاضله فارابی، رساندن انسان به سعادت است، همچنان که هدف غایی ریاست در مدینه، تسهیل راه‌های سعادت برای اهل آن است. مدینه‌ی فاضله مدینه‌ای است که در آن به وسیله اجتماع، برای رسیدن به اشیایی که توسط آنها به سعادت حقیقی نائل می‌گردند، قصد تعاون شود. اجتماعی که به وسیله‌ی آن برای نیل به سعادت یکدیگر را کمک می‌کنند، اجتماع فاضل است.

فصل سوم؛ برنامه‌ریزی در مدیریت اسلامی

- امیرالمومنین می‌فرماید هیچ فرد و جامعه‌ای تا این سه موضوع را در نظر نداشته و کامل ننموده باشد، هرگز حقیقت ایمان را درک نکرده است: ۱. فهمیدن معارف و مسائل الهی ۲. داشتن صبر و تحمل در فرا راه مشکلات و مصیبت‌ها ۳. تنظیم نقشه اقتصادی (معاش) صحیح و کامل
رسول خدا(ص) به شخصی می‌فرماید: سفارش می‌کنم هرگاه خواستی کاری انجام دهی، به سرانجام آن بیندیش؛ اگر مایه رشد بود، آن را انجام بده و اگر مایه فساد و تباهی بود آن را رها کن.
امیرالمومنین (ع) می‌فرمایند: استواری زندگی به برنامه‌ریزی نیکو و سنجه آن دوراندیشی نیکوست.
امیرالمومنین (ع) خطاب به امام حسن(ع) می‌فرمایند: پسر، بدان آن کس که مرکبش شب و روز آماده است، همواره در حرکت خواهد بود. هر چند خود را ساکن پندارد و همواره راه می‌پیماید، هر چند در جای خود ایستاده و راحت باشد.
امیرالمومنین می‌فرماید: هنگامی که عزم و اراده با دور اندیشی همراه شد، سعادت و نیک بختی کامل گردد.
با عنایت به این کلمات گهربار می‌توان نتیجه گرفت که داشتن برنامه و برنامه‌ریزی، نوعی عاقبت اندیشی بر گرفته از حقیقت ایمان است که از طریق آن، مرکب عزیمت به نقطه مطلوب فراهم می‌شود و زندگی بر پایه آن استوار می‌گردد.
نکته: همانطور که ملاحظه کردیم از کلمات زیبای رسول الله و اهل بیت اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی از دیدگاه اسلام مشخص می‌گردد.
- خداوند متعال در آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره کهف می‌فرماید؛ بگو آیا شما را به زیانکارترین مردم در کردار آگاه کنیم؟ آنها ایند که کوشش آنها در زندگی این جهان گم و تباه شده و خود می‌پندارند که کار نیکو می‌کنند.
بر اساس این آیه، زیانکارترین مردم کسانی هستند که درک درستی از اعمال خویش ندارند و کارهای بد را خوب می‌پندارند. اصولاً درک آگاهانه از مذهب، سرچشمه‌ی اصلی مقاومت، پایداری و ایستادگی است؛ چرا که چشم و گوش بسته را به آسانی می‌توان فریب داد و با تحریف مذهب از مسیر اصلی منحرف ساخت و آنها را به مسیر ضلالت کشاند.
- معنای اعتدال این است که به هر کاری باید در حدی پرداخت که با سایر تکالیف و ارزش‌ها تزامم پیدا نکنند.
به طور کلی، تدبیر عقلایی و حکیمانه آن است که انسان به گونه‌ای زندگی کند که بتواند همه‌ی شئون زندگی را پوشش دهد و به نحو مقتضی نسبت پاسخگویی به نیازهای متزاحم و گوناگون اقدام نماید. آدمی گاهی فقط چشمش را به یک جهت می‌دوزد و از سایر جهات و مسائل غافل می‌شود. رعایت اصل اعتدال و حد وسط ما را از افتادن در دام چنین غفلی نگاه خواهد داشت.
- اعتدال بین اسراف و انفاق است. اسراف یعنی انسان چیزی را بیش از حد و در غیر موردش مصرف کند. زیاده-روی در انفاق، اسراف به شمار می‌رود. "قتر" یا "سخت‌گیری" نقطه‌ی مقابل اسراف است و به معنای کمتر از حد خرج کردن می‌باشد، یعنی انسان چیزی را کمتر از حد و مقدار لازم مصرف کند. حد افراطی انفاق، اسراف است و حد تفریطی انفاق، بخل است. "قوام" نیز به معنای اعتدال است که یک فضیلت اخلاقی محسوب می‌شود. در مصرف منابع باید میانه‌رو بود و راه اعتدال را در پیش گرفت.

- حکم حکومتی یا برنامه‌های تاکتیکی عبارت از انشائاتی که حکومت اسلامی در راستای اهداف خود و برای اداره‌ی جامعه صادر می‌کند و شامل مقررات و بخشنامه‌ها و حتی احکام قضایی می‌شود. به عبارت دیگر حکم حکومتی عبارت است از دستورات، مقررات و قوانینی که حاکم جامعه اسلامی بر اساس مصلحت در حوزه مسائل اجتماعی به منظور اجرای احکام شرع یا اداره جامعه به طور مستقیم یا غیرمستقیم صادر یا وضع می‌کند.
- اداره‌ی جامعه نیاز به انجام سه سطح افعال یا فعالیت در سطح خرد، کلان و توسعه است. منظور از افعال سطح خرد، فعالیت مربوط به سازمان‌ها، ادارات و مسائل جزئی و مصداقی است. در یک گام بالاتر با مسائل سطح کلان روبرو هستیم. در این سطح، سخن از روابط بین اصلی‌ترین نهادها و بخش‌های نظام اسلامی است. نخستین وظایف مهم حاکم اسلامی از مدیریت بر همین سطح آغاز می‌شود. مسائل سطح توسعه، شامل تعیین اهداف درازمدت و چشم‌انداز نظام اسلامی و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی است. احکام سرپرستی جامعه‌ی اسلامی در سطح توسعه، مقدم بر همه‌ی احکام دیگر در سطح خرد و کلان است و حاکم اسلامی در صدور آنها نباید با هیچ نوع محدودیت و مانعی روبرو باشد. سید منیرالدین حسینی گاه از احکام حکومتی در سطح توسعه با عنوان "ابزارسازی حادثه" یاد می‌کند. حادثه‌سازی به معنای تصمیم‌های مهم است که معادلات جهانی را به نفع نظام اسلامی تغییر می‌دهد.
- امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید مالیات و بیت‌المال را بگونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات-دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد یافت؛ زیرا همه مردم، نان خور مالیات و مالیات‌دهندگان هستند.

◆ فصل چهارم: تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی

• بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره)، دو گونه مصلحت را می‌توان از هم تشخیص داد:

۱. مصلحت در تشخیص موضوعات

۲. مصلحت عامه

مصلحت در تشخیص موضوعات از کارکردها و وظایف حکومت است و مصلحت عامه در خود حکومت تجلی می‌یابد. در حکومت اسلامی مصلحت عامه اساس حکومت است و اختیارات حکومت بر اساس مصلحت عامه است، به گونه‌ای که حکومت در تصمیم‌گیری و عمل در موضوعات، بر اساس مصلحت مردم کار می‌کند.

• در عصر ما تکیه امام خمینی (ره) بر اصل حفظ دین به عنوان قاعده زیربنایی در فقه سیاسی و مسائل حکومت اسلامی، پرده از روی این قاعده فقهی متروک و ابهام‌آمیز بر گرفت و تصویر کاملاً روشنی از آن ارائه داد. امام خمینی (ره) در همین زمینه می‌گوید: حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی را که ضراب باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قرارداد های شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی چه غیرعبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلامی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست، موقتاً جلوگیری کند. با توجه به توضیحات ذکر شده، حکم تعطیلی حج، یک حکم حکومتی است.

• مفهوم مصلحت، قید و شرط خاصی ندارد و در عمل، بیشتر تابع زمان و مکان و نوع موضوعی است که مصلحت درباره‌ی آن مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل، دایره‌ی تأمین مصلحت بسیار گسترده‌تر از رفع ضرورت است. وقتی گفته می‌شود که حکومت در هر کجا که مصلحت اقتضا کند، می‌تواند دخالت کند؛ یعنی اگر در جایی یک امر ضروری بالفعل هم وجود نداشته باشد، حکومت برای تعیین مصلحت آینده می‌تواند آنجا دخالت کند. مثلاً ممکن است امروز تعریض خیابان‌های یک قسمت از شهر ضروری نباشد، اما مصلحت آینده‌ی آنجا ایجاب کند که آن خیابان‌ها تعریض شوند. از جمله آیاتی که به روشنی رعایت مصلحت امت را در مدیریت جامعه توسط پیامبر (ص) و در نتیجه هر زمامدار صالحی بیان کند، آیه ۶۲ سوره‌ی نور است که از یک سو رعایت مصلحت افراد را در عمل به وظایف الهی و تکالیف عمومی به صورت الزامی برای زمامدار مقرر می‌نماید و از سوی دیگر به خاطر تفاوت شرایط و مقتضیات دخیل در مصلحت، تشخیص و بکارگیری آن را به اختیار زمامدار محول می‌سازد.

• با توجه به آیات و روایات، دلایل مشورت‌خواهی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) را می‌توان شامل الگوگیری مسلمانان، آزمایش اطرافیان، شخصیت‌دادن به مردم، ایجاد الفت و تألیف قلوب، جلوگیری از کارشکنی، متهم‌نشدن به استبداد رأی، رشد فکری مردم، پشتیبانی و همکاری افراد در اجرای تصمیمات و پرهیز از انتقاد در صورت شکست دانست. یکی از این دلایل پرهیز از انتقاد در صورت شکست دانست. اگر کاری بدون رایزنی صورت گیرد، ممکن است انتقادهای و اعتراضاتی به دنبال داشته باشد و موقعیت رهبر را تضعیف کند. نظرخواهی از مردم باعث می‌شود که رهبر کمتر در معرض انتقاد قرار گیرد و همچنین توطئه‌های احتمالی نیز خنثی شود. پیامبر (ص) می‌فرماید: "مشورت حصار ندامت است و ایمنی از ملامت".

- خداوند در آیه ۶ سوره حجرات و آیه ۳۶ سوره اسراء بر تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات صحیح تأکید دارد و تصمیم‌گیری در فضای احساسی را مردود اعلام می‌کند. امام علی(ع) از مشورت و بهره‌گرفتن از آراء و نظریات مردم به عنوان راهی در کاهش خطایا ذکر می‌کنند و قدرت و حکومت را پدیده‌ای می‌داند که بدون مشورت به استبداد و انحراف کشیده می‌شود.
- ماهیت اطلاعات مؤثق و غیرمؤثق در مدیریت اسلامی به دو صورت است. یعنی با ارزیابی صحت خبر، ۲ نوع خبر را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد؛
 < خبر واحد که حکم داده دارد.
 < خبر واثق که حکم اطلاعات دارد.
- خبر متواتر، یقینی و واثق می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری باشد، اما نباید به مضمون خبر واحد ترتیب اثر داد، مگر اینکه به مضمون آن، علم حاصل شود و یا نوع خبر موجب اطمینانی باشد که نزد عقلا به منزله علم و یقین باشد.
- جهت‌گیری اساسی سیاست خط‌مشی‌گذاری در مدیریت اسلامی برای دستیابی به رضایت توده مردم قرار دارد نه خواص و نزدیکان. امیرمؤمنان حضرت علی (ع) در بخشی از عهد مالک اشتر، برخی از ویژگی‌های خواص و اطرافیان را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌فرماید؛ «همانا برای رهبر و زمامدار، نزدیکان و خاصانی است که خودکامه و خودخواه بوده و دست تعدی به سوی مردم دراز می‌کند و در داد و ستد با مردم، عدالت و انصاف را رعایت نمی‌کنند؛ پس ریشه ستم آنان را با قطع کردن، از بین ببر. هیچ یک از مردم، از نظر هزینه زندگی در حالت صلح و آسایش، بر زمامدار سنگین‌تر و به هنگام بروز مشکلات در همکاری و کمک، کمتر و در اجرای انصاف ناراحت‌تر و به هنگام درخواست و سؤال، پر اصرارتر و پس از عطا و بخشش، ناسپاس‌تر و به هنگام برآورده‌نشدن خواسته‌ها، دیر عذر پذیرتر و در ناملايمات و رویارویی با مشکلات، ضعیف‌تر و ناشکیب‌تر از خواص و نزدیکان نخواهد بود.

فصل پنجم؛ مبانی سازماندهی در مدیریت اسلامی

- با توجه به آیات قرآن کریم می توان گفت که امر تدبیری یا فعل تدبیری الهی بر سه گونه است:

۱) امر تسخیری:

- افعالی که به حسب ظاهر، منشاء آنها قوای طبیعی و غریزی نهفته در اشیاء است. فعل طبیعی صادر از مخلوقات غیر مختار، به وسیله امر تسخیری خداوند انجام می گیرد حوزه امر تدبیری تسخیری خداوند افعال غیر اختیاری یا به تعبیری دیگر، افعالی طبیعی موجودات جهان آفرینش است.

۲) امر تمکینی:

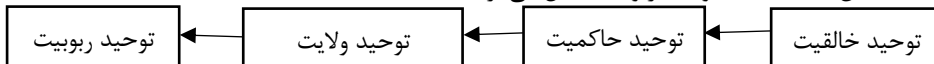
- امری است که به وسیله آن، موجود قدرت انتخاب فعل پیدا می کند و می تواند با اعمال اراده و اختیار، درباره فعل و رفتار مورد پسند خود تصمیم بگیرد. بخشیدن قدرت انتخاب و فعل به فاعل مختار (انسان) توسط خداوند متعال، به واسطه امر تمکینی صورت می گیرد.

۳) امر تشریعی:

- امری است که خداوند به وسیله آن، راه را برای زندگی بهتر و جامعه شایسته ی انسانی می گشاید و در حقیقت، همان راهی است که بشر را به برترین و بهترین زندگی و شایسته ترین جامعه می رساند و به همین دلیل در قرآن کریم، از اوامر تشریعی الهی به راه یا سبیل تعبیر شده است. از امر تشریعی یا شریعت و نظام الهی به عنوان دین یاد شده است.

- خداوند متعال در آیه ۴ و ۵ سوره سجده می فرماید؛ خداست آن که آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز - دوره - بیافرید، سپس بر عرش - مقام فرمانروایی بر جهان آفرینش - برآمد، شما را جز او هیچ سرپرست و کارسازی و هیچ شفیی نیست، آیا یاد نمی کنید و پند نمی گیرید؟ کار - وحی یا کار دنیا - را از آسمان تا زمین تدبیر می کند، سپس آن کار به سوی او بالا می رود در روزی که اندازه آن هزار سال است از آنچه شما می شمرد.

در حقیقت مراحل سه گانه ی توحید در این آیه منعکس شده است و هر کدام دلیلی بر دیگری محسوب می شود. توحید خالقیت دلیل بر توحید حاکمیت است و توحید حاکمیت دلیل بر توحید ولایت است. در آیه ۵ سوره سجده به ذکر توحید ربوبیت یعنی تدبیر جهان هستی تنها بوسیله ی خداوند می پردازد و سه شاخه توحید که در آیات گذشته بیان شده است با توحید ربوبیت کامل می گردد.



- در خصوص مدیریت و فرمانروایی مطلق خداوند، آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که هر یک به جنبه هایی از باور توحیدی و مدیریت الهی بر جهان خلقت اشاره دارد. فرمانروایی مطلق هستی خداوند است. (سوره توبه، آیه ۱۱۶)؛ خداوند فرمانروای مطلق، بی شریک و آفریدگار هستی است. (فرقان، آیه ۲)، خداوند همه کاره هستی و تدبیرکننده امور است. (سوره یونس، آیه ۳)، فرمانروایان الهی به یاد داشته باشند که خدا سرپرست و مولای آنان است و باید به یاد نعمت های الهی باشند و حکومت و دانش خود را از خدا بدانند (سوره یوسف، آیه ۱۰۱) زمامداری و تدبیر جهان بدست خداست و زمانبندی خاصی دارد. (سوره یوسف، آیه ۲) توحید در سازمان به معنی نفی هر گونه قدرت مادی و انسانی و تفهیم برابری ناشی از وحدت خلقت است. این نوع برابری با ارائه تعریف فرانسوی، فرامکانی و فرازمانی به «برابری در پیشگاه خداوند و خالق یکتا» اشاره دارد.

- در اندیشه‌ی کلامی شیعی اصل نبوت و اصل امامت از اصول دین شناخته شده است و این بالاترین جایگاهی است که دین برای رهبری در آموزه‌های خود در نظر گرفته است. به باور خوانساری (۱۰۹۸-۱۰۱۶ ه.ق) از ویژگی‌های حکومت اسلامی «وحدت فرمانروایی» در یک شخص است که در نظام سیاسی شیعی (امامت) به خوبی تجلی یافته است. خوانساری معتقد است که تعدد فرمانروایی و فرمانروایان هم از سوی شریعت نفی شده (الشركة فی الملك تودی الی الاضطراب) و هم تاریخ سیاسی آن را ناکارآمد و موجب اختلال نظام اجتماعی نشان داده است.
 - یکی از نظریات در رابطه با اختیارات ولایت فقیه، ولایت مقیده فقیه است. طرفداران این نظریه، حوزه‌ی ولایت فقیه را فراتر از امور حسبیه می‌دانند و در بخش مسائل عمومی جامعه نیز اختیاراتی برای حاکم اسلامی قائل هستند. اما این اختیارات را آن حد وسیع و گسترده نمی‌دانند، بلکه معتقدند که دایره وظایف و اختیارات ولی فقیه در امور اجتماعی، تنگ‌تر و کوچک‌تر از دایره اختیارات معصومین است.
 - پژوهش‌های استنادی به آن دسته از فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در راستای نسبت‌دادن یک مطلب (یک حکم یا یک نظریه یا هر نوع فهم و برداشت دیگر) به دین صورت می‌گیرد. در مرحله‌ی استناد، سخن از روش نسبت‌دادن مطالب به دین یا قواعد مستندسازی آنهاست؛ یعنی چگونه می‌توان یک مطلب را از منابع دینی برداشت کرد و آن را منسوب به دین و وحی دانست.
 - سلسله مراتب مدیریت در مکتب الهام بخش اسلام به ترتیب شامل مدیریت الهی، مدیریت نبوی، مدیریت علوی و مدیریت فقهی است. مدیریت فقهی بر مبنای قرآن، سنت، اجماع و عقل است.
 - امیرالمومنین در مورد جامعیت قرآن می‌فرماید: در قرآن اخبار گذشتگان و آیندگان و احکام مورد نیاز زندگی‌تان وجود دارد.
 - سنت عبارت است از «قول معصوم، فعل یا تقریر» در این تعریف اشاره‌ای به اقسام سه گانه سنت است. سنت قولی یعنی گفتار معصوم، سنت فعلی یعنی آنچه معصوم به جا آورده و سنت تقریری یعنی تایید و امضای معصوم که از سکوت او در مواجهه با اعمال دیگران فهمیده می‌شود.
 - اجماع: لفظ اجماع به معنای اتفاق و همگرایی است، اما اختلاف فراوانی در آن از جهت طرف‌های این اتفاق وجود دارد.
 - عقل: یکی از منابع معرفی شده برای احکام حکومتی، عقل است. در بحث احکام حکومتی، گاه از عقل به عنوان یک منبع مستقل و کارآمد یاد شده است.
 - اساسی‌ترین انتظار از حکومت و مدیریت دینی اجرای قوانین الهی است. در واقع مهم‌ترین وظیفه حکومت دینی اجرای قوانین الهی می‌باشد. قوانین الهی باید مبنای داورى‌ها و قانون‌گذاری‌ها گردد. مبنای قانون-گذاری و داورى بین افراد باید طبق قوانین الهی باشد و قانون دیگری که همراستا با قانون الهی نباشد، نافرمانی خداست. وعده‌ها، قوانین الهی و سخنان خداوند تغییرناپذیر است و بر اساس راستی و دادگری بنیان شده است.
 - علامه طباطبائی معتقد است که قوانین اسلامی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛
 - احکام ثابت؛ احکام و قوانینی که حافظ منافع حیاتی انسان هستند و وضعیت ثابت و پایداری دارند.
 - احکام متغیر؛ احکام و مقرراتی که جنبه موقتی یا محلی یا اختصاصی داشته و با اختلاف طرز زندگی، اختلاف پیدا می‌کنند.
- شهید مطهری اصول لازم برای سامان یافتن احکام متغیر را اینگونه بیان می‌کند؛

اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام | ۲۱

❖ پذیرش و وارد کردن عقل در حریم دین (عقل هم می‌تواند حکمی را کشف کند و هم می‌تواند حکمی را تقلید و تحدید کند).

❖ توجه به مصلحت (علمای امت می‌توانند درجه‌ی مصلحت‌ها را با توجه به راهنمایی‌های اسلام بسنجند و مصالح مهم‌تر را بر مصالح کم‌اهمیت‌تر ترجیح دهند و خود را از بن‌بست خارج کنند).

❖ کمک گرفتن از قواعد حاکم‌هی فقهی (چیز دیگری که به مقررات اسلامی خاصیت انعطاف و تحرک و انطباق بخشیده، وجود یک سلسله قواعد کنترل‌کننده است که فقها آنها را "قواعد حاکمه" می‌نامند. قاعده‌ی لاضرر و لاجرح از آن جمله‌اند).

❖ توجه به اصول ثابت و لایتغیر (دین اسلام اوضاع متغیر را با اصول ثابت و لایتغیر مربوط کرده است و آن اصول ثابت در هر وضع جدید و متغیری، حکم فرعی خاص و متناسب را تولید می‌کند).

• شهید مطهری یکی از اصول لازم برای سامان یافتن احکام متغیر را کمک گرفتن از قواعد حاکمه فقهی می‌داند. کمک گرفتن از قواعد حاکمه فقهی به مقررات اسلامی خاصیت انعطاف و تحرک و انطباق بخشیده است. این قواعد یک سلسله قواعد کنترل‌کننده تلقی می‌شود که فقها آنها را قواعد حاکمه می‌نامند. قاعده لاضرر و لاجرح از آن جمله‌اند.

• امام علی در خصوص اعتدال‌گرایی در مسئولیت‌پذیری و در نکوهش فرمانده شکست‌خورده‌ی خود در نامه‌ی ۶۱، اهمیت پرداختن به امورات در حوزه‌ی وظایف و اختیارات را متذکر شده و می‌فرماید؛ «سستی انسان در انجام کارهایی که برعهده اوست و پافشاری در کاری که از مسئولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار و اندیشه ویرانگر است»، مدیران باید مراقبت نمایند که تنها در قبال مسئولیت‌ها و اختیارات محوله دارای پاسخگویی هستند و پرداختن به کارهای خارج از حیطه‌ی مسئولیت و غفلت از مسئولیت‌های کاری (سستی در وظیفه و پافشاری در غیروظیفه) نه تنها مزیت محسوب نمی‌شود، بلکه نشانه‌ی سبک مدیریت عاجزانه (آشفستگی در اندیشه و ناتوانی در اجرا) است.

• از نظر نجم الدین رازی، شریعت، اساس و پایه حکومت است و اصل و رکن اساسی مملکت، رعیت و به تعبیر امروزی توده مردم هستند. وی معتقد است که سازمان دهی، تدبیر و عدالت در جامعه بر قرار نمی‌گردد، مگر آنکه همه اقشار و طبقات اجتماعی در ارتباطی درست، منظم و تعریف شده، نسبت به خودشان، سایرین و حکومت قرار گیرند. از نظر وی رابطه صحیح و عادلانه در جامعه تنها از بالا به پایین جاری نمی‌شود، بلکه این رابطه نه تنها دو طرفه است، بلکه باید در سطوح مختلف و در عرض هم به درستی برقرار شود و این نوعی سلوک و ارتقاء و حرکت است. نجم الدین رازی مشروعیت را به معنای حق اعمال حاکمیتی می‌داند که مبتنی بر شریعت است و مردم به دلیل پای بندی به شریعت، این حق را برای حاکمان به رسمیت شناخته و به آن رضایت می‌دهند. نجم الدین رازی خاستگاه مشروعیت را خداوند و منبع آن را شریعت می‌داند. به اعتقاد وی در شریعت همه مصالح دنیوی و اخروی و ضرورت‌های حیات اجتماعی انسان‌ها پیش بینی شده است و خداوند آن را به گونه‌ای قرار داده که انسان‌ها با پایبندی بدان می‌توانند به سعادت برسند.

• دولت طالوت مدلی از تعامل دولت و مردم است که حتی به حقوق مخالفان هم توجه می‌شود. حکومت طالوت، داوود و سلیمان (ع)، سه نمونه‌ی مهم از همراهی مشروعیت با مقبولیت است و مقام‌های حاکمیت به طور تشریعی و نه تکوینی به انبیاء مذکور داده شده است، پس تنفیذ حکم رهبری سیاسی و اداری توسط امر تشریعی و رهبر دینی اتفاق افتاده است. اگرچه قدرت فکری و جسمی دو شرط اساسی مدیریت است اما ثروت و نسب شرط اساسی نیست. امانتداری و دانش به خصوص برای مشاغل مالی از شاخص‌های مهم است.

◆ فصل ششم: مدیریت منابع انسانی بر اساس دیدگاه‌های اسلام

• آیات فراوانی در قرآن اوصاف منفی انسان را بیان می‌کند که مهمترین آنها را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد؛ کم ظرفیت بودن و خودمحور؛ هلوع بودن، جزوع و منوع بودن؛ بی‌صبر و ناتوان در مقابل سختی‌ها؛ خودخواه در برابر نعمت‌ها؛ ناامید؛ سرمست و ناسپاسی به هنگام دستیابی به نعمت‌ها؛ مغرور؛ عجول؛ ضعیف در مقابل طوفا غرایز؛ مجادله‌کننده؛ فخور؛ افزون‌طلب؛ مال‌دوست؛ دنیادوست؛ ناسپاس‌بودن؛ روی گردان - بودن از خداوند سبحان؛ طغیان‌گر بودن؛ توجیه‌گری؛ غفلت‌کردن.

از دیدگاه قرآن کریم، منشأ اوصاف نکوهیده‌ی انسان یا جهل عملی است یا جهالت عملی. جهل عملی او بر اثر سلطه‌ی خیال و وهم اوست و جهالت عملی انسان بر اثر سیطره‌ی شهوت و غضب می‌باشد.

• بر اساس منظومه فکری ملاصدرا کسی به این مقام می‌رسد که چهار سفر را طی کند:

۱. سفر از خلق به حق

۲. سفر به حق در حق

۳. سفر از حق به خلق به استعانت حق

۴. سفر در خلق به استعانت حق

• عارف حکیم در این چهار سفر از خلق جدا می‌شود تا به انسان کامل تبدیل شود و دوباره به میان مردم باز می‌گردد تا آنها را به راه راست هدایت کند. بنابراین قرب حق تعالی، هدف و غایت زندگی انسان است و بر همین اساس، تمام هستی باید رنگ و بوی الهی داشته باشد. ملاصدرا مقصود اصلی از وضع قوانین الهی را سوق دادن انسان‌ها به جوار خداوند متعال و معرفت ذات او و رهاسازی آنها از صفات نکوهیده و خوی‌های ناپسند می‌داند.

• نکته: یک مدیر مسلمان در سفر خلق تا حق باید به خودشناسی و خودسازی بپردازد.

• مطابق با آیه ۵۸ سوره نساء در تفسیر نمونه آمده است که در بعضی از تفاسیر اسلامی نقل شده که این آیه زمانی نازل گردید که پیامبر با پیروزی کامل وارد شهر مکه گردید و عثمان ابن طلحه را که کلیددار خانه کعبه بود احضار کرد، کلید را از او گرفت تا درون خانه کعبه را از وجود بت‌ها پاک سازد. عباس عموی پیامبر پس از انجام این مقصود تقاضا کرد که پیامبر با تحیل کلید خانه خدا به او مقام کلید داری خانه بیت الله که در میان عرب یک مقام برجسته و شامخ بود به او سپرده شود. (گویا عباس میل داشت از نفوذ اجتماعی و سیاسی برادرزاده خود به نفع شخص خویش اسفاده کند) ولی پیامبر بر خلاف این تقاضا پس از تطهیر خانه کعبه از لوٲ بت‌ها در خانه را بست و کلید را به عثمان ابن طلحه تحویل داد در حالی که آیه مورد بحث را تلاوت می‌نمود. آیه فوق گرچه همانند بسیاری از آیات در مورد خاصی نازل شده ولی بدیهی است که یک حکم عمومی و همگانی از آن استفاده می‌شود، و صریحا می‌گوید: خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها بدهید. بیشتر مفسران بر این باورند که دستور ادای امانت متوجه حکمرانان است و آیه درباره کسانی که کاری از امور مردم را بر عهده دارند نازل شده است. لذا بر اساس این آیه نباید کارها را جز به اشخاص شایسته واگذار کرد. همچنین مراد از امانات در این آیه نحوه مدیریت جامعه می‌باشد.

اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام | ۲۳

- حسن ولایت از مؤلفه‌های اصلی شایسته‌سالاری است. مدیر و کارگزار باید هم از نظر جسمانی و هم از نظر فکری، تونایی سامان‌دهی امور و کارهایی که به او واگذار شده است را داشته باشد. در روایات رسیده از پیامبر (ع) از این ویژگی به حسن الولایه تعبیر شده است. پیامبر اکرم (ص) در خصوص شایستگی رهبری و مدیریت می‌فرماید؛
 - یکی از آنها حسن الولایه و رهبری پسندیده است، بگونه‌ای که همانند پدری مهربان برای مردم باشد. حسن ولایت از تعبیرهایی است که افزون بر شرط قدرت و تخصص، هر چیزی که در بهتر اداره کردن امور مردم و منطقه مورد ولایت نقش داشته باشد را شامل می‌شود.
 - با نگاهی به سخنان وسیره پیامبر اکرم (ص) در می‌یابیم که آن حضرت در واگذاری مسئولیت‌ها بهاصل شایسته سالاری پایبند بودند و بر آن تأکید داشتند. یکی از قواعد فقهی برای گزینش کارگزاران در حکومت اسلامی انتخاب اصلح است. بر اساس دیدگاه پیامبر اکرم (ص) در رابطه با انتخاب اصلح، واگذاری مسئولیت به برخی افراد با وجود افراد شایسته‌تر، به نوعی خیانت به خدا، رسول خدا(ص) و مسلمانان تلقی می‌گردد.
 - امام علی (ع) پس از عزل محمدبن ابی بکر و نصب مالک اشتر به فرمانداری مصر، برای دلجویی از محمد بن ابی بکر می‌نویسند؛ به من خبر داده‌اند که از فرستادن اشتر به سوی محل فرمانداری‌ات، ناراحت شده‌ای. این کار را به دلیل کندشدن و سهل‌انگاری‌ات یا انتظار کوشش بیشتری از تو انجام ندادم. اگر تو را از فرمانداری مصر عزل کردم، فرماندار جایی قرار دادم که اداره‌ی آنجا بر تو آسان‌تر و حکومت تو در آن سامان خوش‌تر است. همانا مردی را فرماندار مصر قرار دادم که نسبت به ما خیرخواه و به دشمنان ما سخت‌گیر و درهم کوبنده بود. با عنایت به نکات مطرح شده در این نامه می‌توان نتیجه گرفت که؛
 - در انتخاب مدیران باید مقتضیات زمانی و مکانی، منطبق با همان شرایط را در نظر گرفت. همانگونه که شرایط آن مقطع زمانی مصر می‌طلبید که شخصی همچون مالک اشتر که علاوه بر شایستگی‌های مدیریتی، نسبت به دشمنان سخت‌گیر و کوبنده بود، انتخاب شود.
 - افراد تازه وارد، ارزش‌ها و فرهنگ سازمانی را از طریق فرآیند جامعه‌پذیری سازمانی یاد می‌گیرند. با عنایت به آموزه‌های قرآن می‌توان کاربرد آنها را در دو سطح سازمان اینگونه بیان نمود که فرآیند جامعه‌پذیری سازمانی ممکن است در دو سطح اتفاق بیفتد؛
 ۱. جامعه‌پذیری اولیه (عمل به قوانین و مقررات سازمانی)
 ۲. جامعه‌پذیری ثانویه (ایجاد اعتقاد و باور به مأموریت و اهداف)
 - انسان‌ها برای رسیدن به اوج سعادت و کمال و جامعه‌پذیری، باید مراتب چهارگانه‌ای را طی کنند تا به مقام انسان کامل نائل شوند:
- تجلیه: مرتبه‌ای است که نفس، قوا و اعضای بدن را با مراقبت کامل تحت انقیاد و اطاعت احکام شرع در می‌آورد تا دستورات و احکام شرعی را به طور کامل اطاعت نمایند.
- تخلیه: مرتبه‌ای است که نفس انسان را به مضار و مفاصد اجتماعی و انفرادی، خصلت‌های رذیله و پلید آگاهی می‌یابد و با تدبیر در عواقب وخیم آنها در دنیا و آخرت، صفات ناپسند را از خود دور و محو کند.
- تحلیه: مرتبه‌ای است که پس از حصول تخلیه و رفع موانع، انسان خود را به زیور اخلاق نیک و خصلت‌های پسندیده که در نظام اجتماعی و فردی، تاثیر بسزا و عمیق دارند، آراسته می‌کند.

فنا: پس از حصول و تحقق مراحل سه گانه فوق، جاذبه محبت در حضرت حق پیدا می شود و به تدریج این محبت شدت یافته و اشتعال و افروختگی در او پدید می آید و انسان از خود بی خود و بی خبر می شود. ت. حید خالص برای انسان تحقق پیدا می کند.

• نخستین نشانه ایمان عدم تردید و دودلی است و نشانه دوم جهاد همه جانبه است. انسان ها برای رسیدن به اوج سعادت و کمال، باید مراتب چهارگانه ای را طی کنند تا به مقام انسان نائل شوند.

بنابراین می توان مدلی برای "جامعه پذیری سازمانی" در سازمان های توحیدگرا طراحی نمود. بر اساس این مدل، فردی که به استخدام سازمان توحیدی در می آید، مراحل را پشت سر می گذارد و در نهایت به سطحی از جامعه پذیری دست می یابد که بین اهداف فردی خود و اهداف سازمان توحیدی، تفکیکی قائل نیست و با سازمان محشور می شود.

۱. مرحله تجلیه؛ مرحله ای که فرد مهارت ها و توانمندی های فیزیکی و فکری خود را با مراقبت کامل تحت انقیاد و اطاعت سازمان توحیدگرا در می آورد تا هنجارهای سازمان را اطاعت کند.

۲. مرحله تخلیه؛ مرحله ای که کارمند به مضار و مفاسد سازمانی و انفرادی خصلت های رزیه و رفتارهای نابهنجار در سازمان توحیدگرا آگاهی می یابد و با تدبیر در پیامدهای ناخوشایند آنها در دنیا و آخرت صفات و رفتار ناپسند را از خود دور می کند.

۳. مرحله تحلیه؛ پس از حصول تخلیه و رفع موانع انسان خود را به زیور اخلاق نیک و خصلت های پسندیده که در نظام اجتماع و فرد تأثیری به سزا دارند آراسته می کند.

۴. مرحله فنا؛ پس از حصول و تحقق مراحل ۳ گانه فوق جاذبه محبت به خدا و ارزش های اساسی سازمان توحیدگرا پیدا می شود و به تدریج این محبت شدت یافته و اشتعال و افروختگی در روح پدید می آید و انسان از خود بی خود می شود و توحید خالص برای انسان تحقق پیدا می کند به گونه ای که اهداف کارکنان با اهداف سازمان توحیدگرا کاملاً یکسان می گردد.

◆ فصل هفتم؛ مبانی رفتار و مدیریت رفتار اسلامی در سطح فردی

• نازل‌ترین و فرعی‌ترین قوه‌ی بینشی انسان، همان "قوه‌ی حس" است که مستقیماً در ارتباط با ماده و مادیات است. قوه‌ی حس هرگز حکم نمی‌دهد و قضیه درست نمی‌کند. مثلاً نقش قوه‌ی باصره تنها دریافت و تصور مبصرات و رسالت قوه سامعه فقط دریافت و تصور اصوات است و قوه‌ی لامسه، ذائقه و شامه نیز همین‌گونه است و جز دریافت و ادراک محسوسات نقشی ندارند. بالاتر از قوه‌ی حس قوه‌ی خیال است که خزانه‌ای برای گردآوری مدرکات قوه‌ی حس است.

• از دیدگاه علامه قطب الدین شیرازی منابع معرفتی عبارتند از: معرفت حسی، معرفت عقلی، معرفت غیبی - روحانی و معرفت نقلی (شرعی). از دیدگاه علامه قطب الدین شیرازی زمانی که نفس از مشغله‌های فکری و تفکر در آنچه حواس وارد ذهن می‌کند، فارغ شود و مستعد اتصال به عالم غیب گردد، پرده از روی درک حقایق کنار رفته و با دریافت درونی، معارف حقیقی را که یافتنی هستند و نه آموختنی، در می‌یابد. به تعبیر قطب الدین شیرازی، معرفت غیبی و روحانی که وی آنها را حکمت یافتنی می‌نامد، حاصل می‌شود و منبع اصلی این نوع معرفت، شهود و عرفان است. معرفت نقلی نیز از طریق منابع شرعی مثل قرآن و حدیث حاصل می‌گردد.

• یکی از وجوه تمایز بین نظریه کنش در اسلام و نظریات غربی، تفکیک بین نیت و هدف و همان چیزی که کنشگر به خاطر آن عمل می‌کند، است. تأکید بر هدف مادی در کنش همان فایده‌گرایی است که در روح اکثر نظریات غربی وجود دارد. اما در اسلام بیش از هدف، بر نیت تأکید می‌شود. نیت عبارت است از قصد و اراده‌ی که انسان را به کاری تحریک کند. در میان ارکان اساسی کنش، انگیزه یا محرک یا همان نیت، از اهمیت اصلی برخوردار است و ملاک اصلی برای ارزش‌گذاری اعمال در اسلام، نیت و قصد درونی کنشگر است. اگر کنشگر بر اساس نیتی تصمیم به عمل گرفت، ولی به هر دلیل موفق به انجام آن نشد، در اسلام عمل او تمام و مورد قبول است.

• بر پایه‌ی قرآن کریم هویت حقیقی انسان دارای ابعاد و لایه‌های چهارگانه است که عبارتند از؛

◀ وجود مادی انسان

◀ وجود مثالی انسان

◀ وجود عقلی انسان

◀ وجود الهی انسان

• وجود مثالی انسان همان وجودی است که حیوانات هم دارند، انسان نیز مانند آنان در این مرتبه از وجود خود، گرفتار شهوت و غضب است. برخی تنها به فکر خود مادی و مثالی (گیاهی و حیوانی) خویشتن، یعنی خوردن، خوابیدن و لذت بردن هستند.

• برای تأمین نیازهای مدنی، انسان‌ها بنا بر ضرورت زندگی اجتماعی، برای تأمین نیازهای خود با یکدیگر انس می‌گیرند و در سایه تعاون و همکاری، اقدام به (تمدن سازی) می‌نمایند. در این سطح نیاز، انسان‌ها همچنین احساس نیاز به برتری طلبی و قدرت می‌کنند و دوست دارند از سوی دیگران مورد شناسایی قرار گیرند. (نیاز به محبت، شناسایی و قدرت) از جمله مصداق‌های نیازهای مدنی هستند که برای ایجاد انگیزه در کارکنان مورد توجه است. امام علی(ع) اهمیت یکی دیگر از نیازهای زیردستان را یادآور شده و می‌